

تعدد اقرار در جرایم علیه عفت عمومی

عبدالعلی توجهی^۱
سیدحامد حسین حسینی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۹/۰۴)

چکیده

کشف حقیقت همواره از دغدغه‌های مهم در علوم مرتبط با مسائل حقوقی و قضایی بوده است. در مسائل جزایی برای کشف حقیقت به ادله‌ای با عنوان «ادله اثبات» متوسل می‌شوند؛ از جمله‌ی این ادله و یا به تعبیری ملکه‌ی آنها، اقرار است که جایگاه خاصی در قضای اسلامی داراست. در حقوق جزایی اسلام، ارزش اثباتی این دلیل در جرایم مختلف متفاوت بوده و همین تفاوت و سعی در کشف نظر شارع، محرکه‌ی آرا در میان فقها شده است.

در این مقاله با حفظ روش فقها در طرح و نقد نظریه‌ها، به بررسی و پاسخ این پرسش بنیادین و مهم خواهیم پرداخت که اقتضای قاعده در جرایم علیه عفت عمومی کفایت یک بار اقرار یا لزوم تعدد آن است؟

با بررسی ادله و عبارات فقها در باره‌ی «حدود» روشن می‌شود در برخی حدود تعدد اقرار با عدد خاصی شرط است و در برخی، یک بار اقرار براساس قاعده‌ی «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» کافی است. و از آنجا که حدود با هم متفاوت هستند نمی‌توان دلیلی را که در خصوص تعدد اقرار در یک حد خاص آمده به سایر حدود سرایت داد.

واژگان کلیدی: اقرار، تعدد، حد، تعزیر، ادله اثبات.

۱- نویسنده‌ی مسئول - استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شاهد. Email: atavajjohi@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری.

مقدمه

«اقرار» یکی از ادله‌ی اثبات در امور مدنی و جزایی به‌شمار می‌آید. علت پذیرش اقرار به‌عنوان دلیل اثبات این است که اصولاً انسان عاقل هیچ‌گاه اقدام به ضرر خویش نمی‌کند و چنانچه اقدام به این عمل کند نشانه‌ای در جهت بیان واقع و حقیقت تلقی می‌شود. البته گاه افراد با انگیزه‌های شخصی، خلاف واقع و به ضرر خویش اقرار می‌کنند و شاید به دلیل همین احتمال است که اقرار به تنهایی موجب علم وجدانی به واقع نمی‌شود.

اقرار باب فقهی مستقلی را در کتب فقهی به خود اختصاص داده است. در این باب اهم مسائل مطرح شده، در امور مدنی است و مسائل خاص اقرار جزایی مورد توجه قرار نگرفته است.

اقرار در امور جزایی شامل اقرار در حدود، قصاص و تعزیرات می‌شود و فقیهان به تناسب موضوع و جرم مورد بحث، در کتاب حدود به بررسی تفصیلی آن پرداخته‌اند. ویژگی‌های خاص اقرار در حدود، آن را از دیگر انواع اقرار متمایز می‌کند؛ لزوم یا عدم لزوم تعدد اقرار در جرایم حدی، تعدد مجالس اقرار و پذیرش یا عدم پذیرش انکار بعد از اقرار، از جمله‌ی این ویژگی‌هاست که در این مقاله، مهم‌ترین آن‌ها یعنی بحث تعدد اقرار بررسی می‌شود.

در این خصوص بایستی به این پرسش پاسخ داد که آیا می‌توان یک قاعده‌ی کلی برای کفایت یک بار اقرار در تمام حدود ارائه داد یا خیر؟

از جمله مستندات کفایت یک بار اقرار، روایت نبوی «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» (احسائی، بی تا، ج ۱/۲۲۴) است، زیرا این اقرار جایز است و بالتبع حکم بر اساس این اقرار هم ممکن خواهد بود.

ذکر این نکته ضروری است که روایت فوق اگرچه از لحاظ سند معتبر نیست اما به تعبیر صاحب جواهر، نبوی فوق، مستفیض یا متواتر است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳/۳۵). از همین رو این قاعده از جمله قواعد اقتباسی محسوب می‌شود و مورد قبول غالب فقها نیز هست و عقل و سیره‌ی عقلا هم بر موافقت با آن شهادت می‌دهد. براساس این قاعده برای حجت بودن اقرار یک بار اخبار به حق علیه خود کافی است؛ این درحالی است که در باب حدود و در عبارات فقها نظریه‌هایی بر خلاف این قاعده ارائه شده است.

بادقت در ابواب حدود طبق نظر اکثر فقها می توان ادعا کرد اجمالا تعدد اقرار شرط است و این بدان معناست که هر چند براساس ظاهر قاعده‌ی مذکور یک بار اقرار کافی است، ولی در مواردی بر خلاف این ظاهر، و البته نه بر خلاف اساس قاعده، تعدد اقرار لازم دانسته شده است.

اگرچه فقها اغلب تعدد اقرار در حدود را شرط دانسته‌اند، در کم و کیف و تفصیل موضوع اختلاف نظر وجود دارد. به هر رو، این پرسش مطرح است که باتوجه به ضعف سندی روایت پیش گفته و اصطیادی بودن قاعده‌ی مذکور، آیا طرف داران تعدد اقرار، این تعدد را یک اصل و قاعده‌ی عام می دانند و یا همچنان کیفیت اقرار واحد را اصل می دانند و تعدد اقرار در حدود را به دلیل خاص مستثنا دانسته‌اند؟

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ذیل هر یک از حدود لزوم یا عدم لزوم تعدد اقرار بیان شده بود، اما در قانون جدید مجازات اسلامی طی یک ماده‌ی مستقل اعلام شده است در کلیه‌ی جرایم یک بار اقرار کافی است، مگر جرایم حدی که در غالب آن‌ها تعدد اقرار با نصاب خاصی شرط دانسته شده است.

ماده‌ی ۱۷۲ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در کلیه‌ی جرایم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرایم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف) چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه؛

ب) دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد.

تبصره ۱- برای اثبات جنبه‌ی غیر کیفری کلیه‌ی جرایم، یک بار اقرار کافی است.

تبصره ۲- در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود».

بر اساس این ماده تنها حدی که در آن یک بار اقرار کفایت می کند حد محاربه است.

از آنجا که گستره‌ی حدود زیاد است و بررسی تعدد اقرار در تمامی جرایم حدی در یک مقاله نمی گنجد این مقاله را به بررسی تعدد اقرار در جرایم علیه عفت عمومی اختصاص داده‌ایم. از این رو مطابق رسم معهود و جاری در کتب فقها با طرح عنوان هر جرم (حدود)، در ذیل هر یک ابتدا گزارشی از آرا و سپس مستندات نظرات به‌ویژه روایات مرتبط، همراه با تحلیل آن ارائه می گردد. در پایان هم در هر قسمت به ماده‌ی قانونی مرتبط اشاره خواهد شد.

گفتار اول - تعدد اقرار در زنا و ملحقات آن

چنان که بررسی کتب فقهی نشان می‌دهد مشابهت‌های چندی در مواجهه با سه جرم زنا، لواط و مساحقه وجود دارد؛ برای مثال مجازات صد ضربه شلاق در هر سه جرم حدی با شرایطی پیش‌بینی شده است. هم‌چنین ادله‌ی اثباتی این سه جرم بنابر نظر مشهور فقها یکی است. همین امور باعث شده تا برخی لواط و مساحقه را در زمره‌ی ملحقات زنا بدانند و یکجا مباحث مربوطه را مطرح نمایند. از همین رو در این گفتار با پیروی از این شیوه به بررسی تعدد اقرار در جرایم زنا، لواط و مساحقه خواهیم پرداخت.

الف) اقرار در زنا

در این خصوص اختلاف نظر است: گروهی قائل به کفایت یک بار اقرار و گروهی دیگر قائل به اشتراط چهار بار اقرار می‌باشند.

مشهور فقهای امامیه قائل به اشتراط چهار مرتبه اقرار هستند. و ظاهراً در میان فقهای امامیه تنها ابن ابی‌عقیل قائل به کفایت یک بار اقرار در این موضوع است.

ایشان در کتاب مجموعه فتاوایش می‌نویسد: «اگر مرد یا زنی اقرار به زنا کند و سپس انکار نماید شلاق می‌خورد و چه بسا گفته شده اگر محسن اقرار به زنا کند، تا چهار مرتبه برگردانده می‌شود، سپس رجم می‌شود» (حذاء عمانی، بی تا، ص ۱۶۷).

علامه در مختلف پس از نقل کلام ابن ابی‌عقیل می‌نویسد: «این عبارت قبول یک بار را می‌رساند». البته علامه در نهایت می‌فرماید: «از بیان ابن ابی‌عقیل مخالفت قطعی فهمیده نمی‌شود، زیرا اگر این گونه بود مساله اختلافی می‌شد» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱۷۹/۹).

صاحب مسالک بعد از نقل کلام ابن ابی‌عقیل، ظهور کلام ایشان را اکتفا به یک بار می‌داند (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳۴۱/۱۴).

بر خلاف استنباطی که برخی فقها از این کلام داشته‌اند، به نظر توجه به دو نکته ضروری است: اول این که کفایت یک بار اقرار تحت عنوان «قیل» در کلام ابن ابی‌عقیل آمده و این به معنی نظر مولف نیست؛ دوم این که چنانچه این «قیل» نظر ابن ابی‌عقیل هم باشد صراحتی در معنای مذکور و نظریه‌ی کفایت اقرار واحد ندارد.

در میان مذاهب غیر امامیه؛ مالکیه و شافعیه و از علما حسن بصری، حماد، ابوثور، ابن منذر، داود، طبری، ماوردی و جماعتی دیگر یک بار اقرار را در زنا کافی می‌دانند؛ اما در مقابل حنفیه، حنبله و حکم و از میان علمای ابن ابی لیلی و ابن قدامه تعدد اقرار در زنا را شرط دانسته‌اند (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۱۲۰/۵ و ۱۲۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۱/۲۶۸).

۱- بررسی استدلال قائلین به کفایت یک بار اقرار در زنا:

طرف‌داران این نظریه کفایت یک بار اقرار را موافق اطلاق قاعده‌ی اقرار دانسته‌اند. به اعتقاد آن‌ها «بعید و دور از ذهن است که انسان به ضرر خودش اقرار به خلاف واقع نماید^۱» (موسوی اردبیلی، پیشین، ص ۲۶۹).

علاوه بر این، برخی فقهای امامیه (عاملی، پیشین، ص ۳۴۳) و عامه (جزیری، همان؛ موسوی اردبیلی، همان) در این زمینه به روایات نیز استناد کرده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

یک) روایت فضیل

فضیل نقل می‌کند: «از امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود هر کس به ضرر خودش نزد امام به حقی که حدی از حدود خدا باشد یک بار اقرار کند، مرد آزاد باشد یا عبد و زن آزاد باشد یا کنیز، پس بر امام است که بر او اقامه‌ی حد کند برای جرمی که به آن اقرار کرده - از هر نوع که باشد - مگر زانی محصن که او را رجم نمی‌کند، مگر اینکه چهار شاهد به ضرر او شهادت دهند...». فضیل در ادامه نقل می‌کند: «پس برخی از همراهان ما به حضرت عرضه داشتند: یا اباعبدالله، این حدودی که اگر به آن یک بار نزد امام به ضرر خود اقرار کند حد بر او اقامه می‌شود چیست؟...». حضرت حقوق الله را بر می‌شمارند و در انتها زنا را این گونه بیان می‌فرمایند: «و اگر کسی به ضرر خودش اقرار به زنا کرد در حالی که غیر محصن بود پس این از حقوق الله است» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷/۱۰).

روایت مذکور از منظر سندی صحیحه است، زیرا حسن بن محبوب از اصحاب اجماع محسوب شده، و ابی ایوب که در سلسله‌ی راویان این حدیث قرار دارد همان ابی ایوب الخزاز است که امامی و تقه است و فضیل بن یسار نه‌دی که در سند با عنوان فضیل آمده، از اصحاب اجماع است (اردبیلی، ۱۴۰۳،

۱- «لأن من المستبعد كذب الإنسان على نفسه و اعترافه بما يوجب الحد»

ج ۲۶۴/۱۳). بنابراین روایت از لحاظ سند اشکالی ندارد. اما در خصوص دلالت، این روایت با ظهور قوی اولاً و بالصرّاحه دلالت می‌کند بر این که زنا‌ی غیرمحصن با یک بار اقرار نزد امام ثابت می‌شود. برخی از فقها که موافق تعدد اقرار در زنا هستند با نقل روایت مذکور، آن را نپذیرفته‌اند. صاحب ریاض معتقد است: «کنار گذاشتن روایت فضیل جدا لازم است، زیرا هم‌خوانی با مطالب قبل ندارد، علاوه بر این که قطعاً قول نادری است؛ به دلیل این که حریت را در مقرر معتبر ندانسته و (همچنین) فرق گذاشته بین زانی محصن و غیرمحصن یعنی به عدم قبول اقرار از زانی محصن و قبول اقرار از زانی غیرمحصن حکم داده شده است و این دو مورد قطعاً خلاف اجماع است حتی از ابن ابی-عقیل عمانی (چنین چیزی نقل نشده است) زیرا نقل خلاف از او نشده مگر در شرط بودن تکرار اقرار نه در غیر آن» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۴۵۳/۱۵).

صاحب جواهر هم نظری موافق نظر صاحب ریاض دارد. ایشان هم قائل به کنار گذاشتن روایت فضیل هستند و معتقدند؛ گرچه این روایت صحیح است ولی از آنجا که موافق عامه است و فرقی بین حر و عبد نگذاشته، و فرقی را که بین محصن و غیرمحصن تصویر کرده حتی عامه هم نپذیرفته‌اند باید آن را کنار گذاشت؛ یا این که بر غیر زنا از حدود و یا امر دیگری حمل نمود (نجفی، پیشین، ج ۲۸۲/۴۱). علاوه بر این دو، آیت‌الله خوئی نیز بعد از بیان برخی از استدلال‌های ذکر شده در بالا نتیجه می‌گیرند که در خصوص این روایت چاره‌ای جز حمل بر تقیه نیست (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲۱۴/۴۱). به نظر می‌رسد با توجه به مطالبی که فقها در این روایت ذکر کرده‌اند دیگر جایی برای استناد به آن باقی نمی‌گذارد و باید آن را از زمره‌ی ادله‌ی کفایت یک بار اقرار خارج دانست.

دو) حدیث عسیف

همان‌گونه که در ابتدای بحث بیان شد مالکیه و شافعیه یک بار اقرار را در زنا کافی می‌دانند. مستند قول این طایفه حدیث ابی هریره و زید بن خالد از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. در حدیث عسیف آمده است: «فردا به این زن مراجعه کن و اگر اعتراف کرد رجمش کن. انیس فردا به آن زن مراجعه کرد و او اعتراف کرد پس پیامبر امر فرمود، پس (انیس) او را رجم کرد» (جزیری، پیشین، ص ۱۲۲).

استدلال به این حدیث بدین صورت است که پیامبر عددی را برای اقرار ذکر نکردند و طبق قاعده‌ی «عدم الاستفصال یدل علی العموم» می‌توان به این مطلب رهنمون شد که یک بار اقرار، هم در ثبوت جرم و هم در اجرای رجم کفایت می‌کند. و چون انسان زمانی که به ضرر خودش به چیزی که موجب شلاق یا رجم است اقرار می‌کند، این دلالت بر صدق و راستی گفتارش می‌کند، بنابراین احتیاجی به تعدد اقرار نیست و همان یک مرتبه کافی خواهد بود. و اینکه در حدیث ماعز (که مستند قائلین به لزوم چهار بار اقرار است) ذکر شده، پیامبر وی را چهار نوبت بازگرداند به این علت بوده که حضرت در خصوص او شبهه داشتند و به همین خاطر بود که در یک نوبت حضرت به وی فرمود آیا جنون داری؟ و یا در یک نوبت دیگر از همسر دار بودن وی سوال کردند. به نظر می‌رسد معنای «اعترفت فارجمها»، همان اعتراف معهود در حد زناست. بنا بر اینکه معلوم بین صحابه بوده است مخصوصاً برای کسی مثل انیس که به پیامبر نزدیک بوده و امثال انیس حکم چهار بار اقرار را می‌دانستند. بنابراین روایت فوق که از مجامع اهل سنت نقل شده نمی‌تواند به‌عنوان مستند این قول قرار گیرد.

۲- بررسی استدلال قائلین به اشتراط چهار بار اقرار در زنا

مستند قول این گروه روایات فراوانی است که در این باب وارد شده است. این روایات را به‌طور کلی می‌توان در دو دسته جای داد:

دسته‌ی اول روایاتی است که بدون تصریح به اشتراط چهار بار، واقعه‌ای را بیان می‌کند که در آن پیامبر (ص) یا امام، بعد از چهار بار اقرار حکم به اجرای حد داده‌اند. و دسته‌ی دوم روایاتی است که صراحتاً چهار بار اقرار را در اثبات حد زنا شرط دانسته‌اند. در این جا به برخی روایات وارد شده از هر دو دسته اشاره می‌شود.

یک) روایات دسته‌ی اول

- روایت ماعز بن مالک

روایت شده که ماعز بن مالک خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و عرض کرد: ای رسول خدا من زنا کردم. پس پیامبر از او روی برگرداندند. پس از طرف راست حضرت آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، من زنا کردم، پس مجدداً حضرت از او روی برگرداندند. سپس آمد و گفت من زنا کردم.

تا این که چهار بار گفت. حضرت به او فرمود: آیا جنون داری؟ عرض کرد: نه ای پیامبر خدا. حضرت فرمود: آیا احصان داری؟ (یعنی آیا زن داری) عرض کرد بلی، پس پیامبر فرمود: او را ببرد و رجمش کنی. و نقل است که حضرت به او فرمود: شاید بوسیدی یا اشاره با چشم کردی یا او را نگاه کردی، عرض کرد: نه ای پیامبر خدا. پیامبر فرمود: آیا با او نزدیکی کردی کنایتاً نمی‌گویی؟ همان‌طور که میل در سرمه‌دان و طناب در چاه پنهان می‌شود؟ عرض کرد: بلی حضرت فرمود: آیا می‌دانی زنا چیست؟ عرض کرد: بلی نسبت به آن زن حرامی را مرتکب شدم که مرد نسبت به همسرش حلال آن را مرتکب می‌شود. حضرت فرمود: چه منظوری از این سخنان داری؟ عرض کرد: می‌خواهم تا شما پاکم کنی، پس حضرت امر کرد و او را رجم کردند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴۵۳/۲).

این روایت صراحتاً دلالت بر این نکته دارد که پیامبر بعد از چهار بار اقرار، امر به رجم ماعز فرموده‌اند.

- روایت میثم

صالح بن میثم از پدرش چنین نقل می‌کند: زنی حامله خدمت امیرالمؤمنین رسید گفت: یا امیرالمؤمنین من زنا کردم من را پاک کن که خدا پاکت گرداند، همانا عذاب دنیا آسان‌تر از عذاب آخرت است که پایانی ندارد. پس حضرت به او گفت: از چه چیز پاکت کنم؟ زن گفت: من زنا کردم. حضرت فرمود: و هنگامی که انجام دادی آنچه را که انجام دادی شوهرداری بودی؟ یا غیر این بوده؟ زن عرض کرد: بله شوهردار بودم. حضرت فرمودند: آیا هنگامی که انجام دادی آنچه را که انجام دادی شوهرت نزد تو حاضر بود یا غایب؟ عرض کرد: حاضر بود. حضرت فرمود: برو و آنچه در شکم داری به دنیا بیاور، آن‌گاه نزد من بیا و چون زن رفت - به گونه‌ای که سخن حضرت را نمی‌شنید - حضرت فرمود: خدایا، این یک اقرار. پس از مدتی، آن زن نزد حضرت آمد و عرض کرد: زایمان کردم؛ هم اکنون مرا پاک ساز. حضرت - به گونه‌ای که آن زن را نمی‌شناسد - پرسید: ای کنیز خدا، تو را از چه پاک سازم؟ آن زن عرض کرد: من زنا کرده‌ام؛ مرا پاک ساز. حضرت فرمود: آیا آن زمان که چنین کاری کردی، شوهر داشتی؟ آن زن عرض کرد: آری. حضرت فرمود: شوهرت حاضر بود یا غایب؟ آن زن عرض کرد: شوهرم حاضر بود. حضرت فرمود: برو و فرزندان را شیر ده؛ دو سال کامل آن گونه که دستور خداست. راوی گوید: زن باز گشت و چون به جایی رسید که سخن امیرالمؤمنین علیه السلام

را نمی‌شنید، حضرت فرمود: خدایا، این دو اقرار و چون دو سال گذشت، زن آمد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، دو سال به این بچه شیر داده‌ام؛ هم اکنون مرا پاک ساز. حضرت - به گونه‌ای که گویا آن زن را نمی‌شناسد - از وی پرسید: تو را از چه پاک سازم؟ آن زن عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، من زنا داده‌ام؛ مرا پاک ساز. حضرت فرمود: آن زمان که چنین کردی، شوهر داشتی؟ آن زن عرض کرد: آری. حضرت فرمود: آیا شوهرت آن زمان که چنین کردی، غایب بود یا حاضر؟ زن عرض کرد: حاضر بود. حضرت فرمود: برو و از فرزندت سرپرستی کن تا آن زمان که فرزند، درک خورد و خوراک پیدا کند و از پشت بام نیفتد و در چاه سقوط نکند. آن زن در حالی که می‌گریست، بازگشت. چون زن رفت و دیگر سخن امام را نمی‌شنید، حضرت فرمود: خدایا، این سه اقرار. عمرو بن حرث در بین راه با این زن روبه‌رو شد. از وی پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ آن زن گفت: من به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده و از وی درخواست کرده‌ام که مرا پاک سازد [اما] ایشان به من فرموده است: از فرزندت سرپرستی کن تا زمانی که عقل خورد و خوراک پیدا کند و از پشت بام نیفتد و در چاهی سقوط نکند و من می‌ترسم که مرگم فرا رسد و حضرت، مرا پاک نساخته باشد. عمرو بن حرث به آن زن گفت: نزد حضرت باز گرد؛ من عهده‌دار سرپرستی فرزند می‌شوم. آن زن بازگشت و گفته‌ی عمرو بن حرث را برای امیرالمؤمنین علیه السلام بازگفت. امیرالمؤمنین علیه السلام - به گونه‌ای که گویا نمی‌داند - از آن زن پرسید: چرا عمرو بن حرث فرزند تو را سرپرستی می‌کند؟ آن زن عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، زنا داده‌ام؛ مرا پاک ساز. حضرت فرمود: آن زمان که این کار را کردی، شوهر داشتی؟ آن زن گفت: آری. حضرت فرمود: شوهرت غایب بود یا حاضر؟ زن عرض کرد: حاضر بود. در این جا امیرالمؤمنین علیه السلام سر به آسمان برداشت و گفت: خدایا، چهار اقرار برای تو علیه این زن ثابت شد و تو به پیامبرت صلی‌الله علیه و آله در آنچه از دینت خبر داده‌ای، فرمودی: ای محمد، هر کس که حدی از حدود مرا تعطیل کند، او با من دشمنی کرده و با این کارش مخالفت و ستیز با من را خواسته است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱/۱۴۴).

روایت فوق از دو جنبه‌ی سندی و دلالتی قابل بررسی است. ابتدا بنا به نظر می‌رسد روایت فوق از لحاظ سند معتبر نباشد زیرا در سلسله‌ی سند، علی بن ابی حمزه قرار دارد که همان علی بن ابی حمزه بطائنی است که از روسای واقفیه می‌باشد و توثیق هم نشده است (حسینی خامنه‌ای، جزوه‌ی درس خارج مکاسب مجرمه، جلسه ۲۹۵).

نکته‌ی دیگری هم در سند روایت وجود دارد و آن این که سند مردد است، زیرا مشخص نیست ابی بصیر اسدی از عمران بن میثم نقل می‌کند یا از صالح بن میثم؟ البته از آنجایی که عمران ثقه است و صالح هم امامی ممدوح است به نظر می‌رسد این تردید مخل به اعتبار نیست، پس تنها ایراد سند به علی ابن ابی حمزه برمی‌گردد؛ اما از آنجا که ابن محبوب جزو اصحاب اجماع است (حسینی خامنه‌ای، جزوه‌ی درس خارج قصاص، جلسه ۱۰۹) و چنین فردی از علی بن ابی حمزه نقل روایت کرده، به همین دلیل ضعف علی بن ابی حمزه خدشه‌ای به صحت سند وارد نمی‌کند و نتیجتاً با توجه این موارد، روایت مذکور معتبر است.

اما از لحاظ دلالت، روایت مذکور تصریح دارد که امیرالمؤمنین بعد از چهار بار اقرار حکم به رجم زن زناکار فرموده‌اند. و به همین دلیل روایت مذکور قابل استناد است.

دو) روایات دسته دوم

در این دسته از روایات، به روشنی چهار بار اقرار در اثبات حد زنا شرط دانسته شده است. در این قسمت به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود.

- روایت جمیل

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «دست سارق قطع نمی‌شود تا این که دو بار به سرقت اقرار کند و زانی رجم نمی‌شود تا این که چهار بار به زنا اقرار نماید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰۶/۲۸).
روایت مذکور از لحاظ سند صحیح است و تمام روایات موجود در سند ثقه هستند. بنابراین روایت مذکور از جنبه‌ی سندی مشکلی ندارد و از جنبه‌ی محتوا هم صراحتاً دلالت بر مشروط بودن اثبات حد زنا به چهار بار اقرار دارد.

روایت دیگری هم در ابواب مقدمات حدود کتاب وسایل از جمیل ذکر شده که به نظر این دو روایت یکی هستند با این تفاوت که روایت اول جزئی از روایت دوم است (همان، ص ۲۷).

- مرسل صدوق

امام صادق (علیه السلام) در خصوص مردی که به زنش گفته بود: ای زناکار [و] زنش به او گفت: تو زناکارتر از من هستی فرمودند: «به خاطر قذفی که زن به مرد کرده است بر او حد است و اما اقرار زن علیه خودش حد نمی خورد تا این که نزد امام چهار مرتبه اقرار نماید» (همان، ص ۱۹۶).

این روایت از لحاظ سند معتبر نیست، اگر چه از لحاظ دلالت تصریح بر معنای مورد نظر دارد. مشابه مضمون فوق در صحیح محمد بن مسلم هم آمده که در آن امام باقر (علیه السلام) اجرای حد را تنها بعد از چهار بار اقرار صحیح می دانند (همان، ص ۱۹۵).

نکته‌ی مهم در این قسمت این است که هر آنچه در خصوص اشتراط تعدد در اقرار به زنا وارد شده در مورد رجم است و به اذعان برخی فقها حدیثی که دلالت بر اشتراط تعدد اقرار در غیر مورد احصان باشد یافت نشده است (منتظری، بی تا، ص ۲۷). با این حال فقها، برای زنا ی غیر محصنه هم چهار بار اقرار را شرط دانسته‌اند. این که به چه دلیل فقها قائل به این نظر شده‌اند احتمالاتی داده شده که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می شود:

اول این که اگر جلد با یک بار اقرار ثابت شود وجهی برای تاخیر حد در اقرار به زنا نیست. در حالی که در بعضی از روایات، قبل از این که بخواهد معلوم شود فرد شوهردار است یا نه، امام منتظر اقرارهای بعدی او مانده‌اند و حد را با یک بار اقرار بر فرد مذکور جاری نفرموده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱۷/۷؛ خوبی، پیشین، ص ۲۱۱).

دوم این که ظاهراً هیچ یک از فقهای فریقین غیر از ابن ابی عقیل قائل به تفکیک بین زنا ی محصنه و غیر محصنه در میزان اقرار نشده‌اند و به همین دلیل به روایت فضیل هم که تصریح در تفکیک بین اقرار در زنا ی محصنه و غیر محصنه دارد عمل نمی شود.

از مجموع احتمالات فوق چنین برداشت می شود که با وجود عدم تصریح روایات به شرط تعدد اقرار در زنا ی موجب شلاق، بایستی با توجه به اعراض فقها از تفصیل موجود در روایت، در عمل تعدد اقرار را در مطلق زنا چه محصنه و چه غیر محصنه شرط دانست.

قانون مجازات اسلامی جدید نیز در ذیل ماده‌ی ۱۷۲ چهار بار اقرار را برای اثبات حد زنا، چه زنا ی محصنه و چه غیر محصنه شرط دانسته است.

ب) اقرار در لواط

بر خلاف مبحث زنا که در مورد تعدد و عدم تعدد اقرار اختلاف نظر وجود دارد، در باره‌ی لواط اختلافی نقل نشده است.

ابی‌الصلاح حلبی در این باره می‌نویسد: «لواط به همان چیزی ثابت می‌شود که زنا با آن ثابت می‌شود یعنی چهار مرتبه اقرار و ...» (حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۰۸) هم‌چنین شهید ثانی در مسالک بیان می‌دارد: «طریق ثبوت آن [لواط] در اقرار و بینه همان طریق زنا است» (عاملی، پیشین، ص ۴۰۲). صاحب‌جوهر نیز چهار بار اقرار در لواط را از جمله مواردی می‌داند که اصحاب به آن قطع پیدا کرده‌اند (نجفی، پیشین، ص ۳۷۶) و بدین وسیله نظر مشهور فقها را تایید می‌کند.

علاوه بر این، در کتاب *وسائل* روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده که حضرت بعد از چهار بار اقرار به لواط، حکم سوزاندن را صادر فرمودند (حر عاملی، پیشین، ص ۱۶۱)؛ از این روایت هم‌چنین استفاده می‌شود که چهار بار اقرار برای لواط هم به مانند زنا شرط است.

مالکیه، شافعیه و حنابله می‌گویند: بینه بر لواط مثل بینه بر اثبات زناست، پس تنها با شهادت چهار مرد عادل ثابت می‌شود. ابوحنیفه و غالب حنفی‌ها از آنجا که قائل به تعزیری بودن جرم لواط هستند معتقدند بینه‌ی لواط غیر از بینه‌ی زناست، زیرا ضررش کم‌تر از آن است و از آنجایی که در آن اختلاط انساب و هتک عرض اتفاق نمی‌افتد بنابراین با دو شاهد ثابت می‌شود (جزیری، پیشین، ص ۲۰۶). همان‌گونه که مشاهده گردید، مذاهب مذکور اشاره‌ای به نصاب اقرار در لواط نکرده‌اند.

در قانون مجازات اسلامی جدید نصاب مذکور برای اقرار، در ذیل ماده‌ی ۱۷۲ عیناً منعکس شده است. بنابراین از مجموع مطالب این قسمت معلوم گردید تعدد اقرار در لواط جزو موارد اتفاقی میان فقهای امامیه است که به آن تصریح هم کرده‌اند؛ اما از آنجایی که لواط در فقه عامه در ذیل زنا بررسی و احکام آن دو مشترک شمرده می‌شود به نظر می‌رسد با وجود عدم تصریح به نصاب اقرار در لواط، می‌توان آن دسته از فقهای عامه را که معتقد به لزوم چهار بار اقرار در زنا بودند در این جا هم ملتزم به لزوم تعدد اقرار دانست.

ج) اقرار در مساحقه

در خصوص شرایط اثبات مساحقه با اقرار دو نظریه وجود دارد: گروهی قائل به کفایت دو بار اقرار و گروهی (که اکثر فقها را تشکیل می دهند) قائل به لزوم چهار بار اقرار هستند. به این ترتیب در میان فقها هیچ کس قائل به کفایت یک بار اقرار در مساحقه نبوده است. در این قسمت به بررسی استدلال دو گروه یادشده خواهیم پرداخت.

۱- کفایت دو بار اقرار و ادلهی آنان

محقق اردبیلی عبارت علامه در *ارشاد* (ذیل بحث قوادی و مساحقه) را که می فرماید «و تثبت بالاقرار مرتین» این گونه تفسیر کرده که عبارت، شامل مساحقه هم می شود. احتیاط در حدود و تخفیف و ساقط شدن حد در حقوق الله به واسطه‌ی شبهه، دلیل ایشان برای لزوم دو بار اقرار است. هم چنین از نظر ایشان اعتبار و اصل، بیان کننده‌ی عدم کفایت یک بار اقرار در این مورد است. به باور ایشان روایاتی که (در زنا) دلالت بر اعتبار تعدد اقرار می کنند مشعر به این مطلب است که در موارد مشابه هم (مانند مساحقه) تعدد شرط است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳/۱۲۷).

به نظر می رسد استدلال‌های محقق اردبیلی در این مقام بیش تر ناظر به تعدد اقرار است و نه کفایت دو بار اقرار، به همین جهت نمی توان به واسطه‌ی این استدلال‌ها لزوم چهار بار اقرار را رد کرده و دو بار اقرار را ثابت دانست.

۲- لزوم چهار بار اقرار و ادلهی آن

همان گونه که ذکر شد اکثر فقها قائل به این نظر هستند و مستند آن‌ها دو روایت ذیل است: یک) روایت مکارم‌الاخلاق از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «مساحقه در زنان به منزله‌ی لواط در مردان است، پس هر کس از این عمل چیزی مرتکب شد پس آن‌ها بکشید، پس آن‌ها را بکشید» (حرعاملی، پیشین، ص ۱۶۶).

۱- عن النبی (ص) قال: «السحق فی النساء بمنزلة اللواط فی الرجال فمن فعل من ذلك شیئاً فاقتلوهما ثم اقتلوهما»

دو) امیرالمؤمنین فرمودند: «مساحقه در زنان مثل لواط در مردان است ولکن در آن ۱۰۰ ضربه شلاق است زیرا در آن ایلاج نیست» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۴۵۶/۲).

اکثر فقها این دو روایت را نقل کرده‌اند. البته در غالب موارد روایت اول به صورت ناقص ذکر شده است؛ به این صورت که فقط قسمت اول روایت که مساحقه در زنان را به منزله‌ی لواط در مردان می‌داند نقل شده است. به هر رو، با این که هر دو روایت از لحاظ سند محکم نیست، فقها با ادعای شهرت آن دو را پذیرفته‌اند و به‌عنوان موید ذکر کرده‌اند.

از میان فقهای امامیه، صاحب کشف اللتام مساله را علی‌الظاهر مورد اتفاق فقها ذکر می‌کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵۰۳/۱۰) هم‌چنین صاحب جواهر مساله‌ی مذکور را مفروغ‌عنه می‌داند (نجفی، پیشین، ص ۳۹۹).

در قانون مجازات اسلامی جدید ذیل ماده‌ی ۱۷۲، راه‌های ثبوت مساحقه در دادگاه، همان راه‌های ثبوت لواط یعنی چهار بار اقرار دانسته شده است.

از مجموع مطالب فوق به این نکته می‌توان رهنمون شد که براساس اعتقاد امامیه اگر قائل به شهرت فتوایی باشیم می‌توانیم در مساله‌ی جاری نظریه‌ی چهار بار اقرار را بپذیریم، و گرنه از آنجایی که مستند روایی و قرآنی محکمی در مساله وجود ندارد و قواعد اولیه هم کفایت یک بار اقرار را می‌رساند چه بسا در این مساله برخلاف نظر مشهور فقها و نظر مندرج در قانون بتوان قائل و ملتزم به کفایت یک بار اقرار گردید.

گفتار دوم: تعدد اقرار در قوادی

قوادی یا قیادت با دو شاهد عادل ثابت می‌شود، اما در اثبات آن با اقرار اختلاف نظر وجود دارد. برای اثبات این جرم برخی یک بار اقرار را کافی می‌دانند و برخی به ضرورت دو بار اقرار فتوا داده‌اند. همان‌گونه که در در ابتدای مقاله بیان گردید براساس قاعده‌ی «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز»، قاعده‌ی اولیه کفایت یک بار اقرار است؛ به همین دلیل شرط تعدد اقرار ادعایی است که باید ثابت شود. در این قسمت به اختصار ادله‌ی قائلین به ضرورت دو بار اقرار بررسی و سپس نقد آن بیان می‌شود.

۱- عن امیرالمؤمنین (ع): «السحق فی النساء کاللواط فی الرجال ولکن فیہ جلد مائه لانه لیس فیہ ایلاج»

گفتنی است با توجه به مطابقت کفایت یک بار اقرار با قاعده‌ی اولیه، در این گفتار از تکرار ادله‌ی آن خودداری می‌شود.

الف) ادله اشتراط دو بار اقرار برای قیادت

فقها در این زمینه تنها به ادله‌ی غیرنقلی اشاره کرده و هیچ دلیل نقلی را مستند نظر خویش قرار نداده‌اند.

۱- ملازمه‌ی دو شاهد با دوبار اقرار

در کتاب مراسم قاعده‌ای در حدود بیان شده که براساس آن هرچه از حدود که در آن به‌عنوان بینه‌ی دو شاهد لازم است، اقرار هم دو بار لازم است (سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۵).

۲- اتفاق نظر فقها

صاحب ریاض و صاحب جواهر در این مساله از عبارت «لاخلاف» استفاده کرده‌اند. این دو و جمعی دیگر از فقها قائل‌اند که در لزوم دو بار اقرار هیچ مخالفی وجود ندارد (طباطبایی، پیشین، ج ۲۸/۱۶؛ نجفی، پیشین، ص ۳۹۹).

در این خصوص یکی از معاصرین می‌نویسند: «مقتضای بنای عقلا این است که چنانچه هر فردی را ماخوذ به اقرارش بدانیم ولو این که یک بار باشد و تا زمانی که شارع آن بناء را بر هم نرزد باشد حجیت دارد، در حالی که شارع در باب زنا به‌عنوان یکی از حدود، این قاعده را بر هم زده و در مقابل در باب قتل و جنایات ولو با اطلاق اخبار آن را پذیرفته است. پس در مانحن فیه اگر از شارع خلاف آن صادر نشده بود مقتضای قاعده حجیت اقرار بود ولو این که یک بار باشد، اما در این جا چون شهرت فتوایی و اشتراط دو بار اقرار نزد اصحاب - خصوصاً قدمای اصحاب - وجود دارد همین اندازه در ثبوت ردع شرعی از بنای عقلا کفایت می‌کند، زیرا این مسلم است که امامیه به مجرد استحسان یا قیاس فتوا نمی‌دهد و اعتماد آن‌ها بر حجت‌های شرعی است. پس مجرد شهرت در ثبوت مطلوب کفایت می‌کند؛ مگر این که کسی این شهرت را قبول نکند (مومن قمی، ۱۴۲۲، ج ۳۹۷/۲-۳۹۹) ایشان در ادامه عباراتی را از شیخ در نهجیه و ابن حمزه در وسیله نقل می‌کنند که ممکن است از آن برداشت یک بار اقرار بشود که

اگر این برداشت صحیح باشد دیگر شهرت فتوایی صحیح نخواهد بود. شیخ در نهایت بعد از تعریف قوادی، اثبات این جرم را مقید به شهادت دو شاهد و یا اقرار به انجام این عمل می‌نماید (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۰).

ایشان در این عبارت اقرار را مطلق ذکر نموده و از همین باب به نظر می‌رسد دیدگاه برخی از معاصرین تقویت می‌شود که ممکن است از این عبارت برداشت یک بار اقرار شود. هم‌چنین ابن حمزه در کتاب خود ذیل باب قیادت، حد مذکور را با دو شاهد یا اقرار فرد ثابت می‌داند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۱۵) که در این جا هم بمانند عبارت شیخ در نهایت اقرار مطلق آمده و بحثی از لزوم تعدد اقرار در آن نشده که در این جا هم ممکن است و بلکه قریب به ذهن است که از این عبارت برداشت یک بار اقرار بشود.

۳- تمسک به قدر متیقن

صاحب مهذب الاحکام معتقد است اقرار در قیادت دو بار است به دلیل این که اصل عدم ثبوت حد است مگر به متیقن و دو بار اقرار قدر متیقن است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳۱۸/۲۷).

ب) نقد و بررسی ادله

در خصوص نقل سلار مبنی بر این که «کلّ ما فیه بینة شاهدین من الحدود فالأقرار فیه مرتین»، اگرچه تعبیر از اقرار به شهادت در قرآن و برخی از اخبار وارده در زنا آن را تایید می‌کند (حرعاملی، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۵) اما حقیقت اینست که این تنها یک ادعاست که احتیاج به دلیل دارد و دلیلی بر عمومیت آن در مساله وجود ندارد. در کلام برخی معاصرین نیز همین برداشت از عبارت سلار مشاهده می‌شود (خویی، پیشین، ص ۳۰۴؛ موسوی اردبیلی، پیشین، ج ۳/۵۴۵).

در خصوص اتفاق نظر فقها در این مساله نیز تردید وجود دارد، زیرا همان‌گونه که بیان گردید عبارت شیخ در نهایت و ابن حمزه در الوسيله مشعر به کفایت یک بار اقرار است و بنابراین این اتفاق نظر و ادعای «لاخلاف» مورد خدشه قرار گرفته و قابل استناد نخواهد بود.

در خصوص استدلال آیت‌الله سبزواری در تمسک به قدر متیقن، به نظر می‌رسد این مساله از موارد تمسک به قدر متیقن نباشد، زیرا قاعده‌ی «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» ثابت است و قدر متیقن هم اگر بخواهیم تصویر کنیم بایستی یک بار اقرار را قدر متیقن بگیریم.

در این زمینه از مراجع معظم تقلید هم استفتاء شده که فتاوی ایشان عینا نقل می‌شود.

سوال: آیا قوادی با یک بار اقرار ثابت می‌گردد؟

آیت‌الله صافی: قیادت با دو مرتبه اقرار ثابت می‌شود.

آیت‌الله مکارم: با یک بار اقرار ثابت نمی‌شود بلکه با دو بار اقرار ثابت می‌شود.

آیت‌الله نوری همدانی: قوادی با دو مرتبه اقرار ثابت می‌شود.

آیت‌الله بهجت: دور نیست کفایت یک مرتبه.

آیت‌الله تبریزی: قیادت با یک بار اقرار ثابت می‌شود مگر معلوم شود در آخرش اشتباه کرده.

آیت‌الله موسوی اردبیلی: با یک مرتبه اقرار ثابت می‌شود (نرم افزار گنجینه استفتاءات قضایی، سوال ۹۱۲۷).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود گروهی از مراجع فوق قائل به کفایت یک بار اقرار و گروهی قائل به لزوم دو بار اقرار در قوادی هستند.

ج) آرای اهل سنت

در بررسی نظر فقهای اهل سنت مشاهده می‌شود که آن‌ها در احصای حدود، نامی از قیادت نبرده‌اند و آن را از شمار حدود خارج می‌دانند. بنابراین به عقیده‌ی اهل سنت قیادت تعزیر است و بر این اساس یک بار اقرار هم برای اثبات آن کافی است (جزیری، پیشین، صص ۱۷-۱۸).

به موجب حکم ماده‌ی ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی قوادی با دو بار اقرار ثابت می‌شود که با نظر مشهور فقها یکی است.

در مجموع با توجه به این که دلیل محکمی برای لزوم دو بار اقرار به دست نیامد و نیز نزدیک‌تر بودن نظریه‌ی اکتفای یک بار اقرار به قواعد اولیه، این دیدگاه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در مجموع به نظر می‌رسد اقرار در امور کیفری حتی برای یک بار ظن نوعی به وقوع جرم از سوی مقرر را به همراه دارد و تنها در مواردی که دلیل محکمی بر تعدد اقرار وجود داشته باشد از این قاعده عدول می‌شود.

در این مقاله که به جرایم حدی علیه عفت عمومی پرداخته شد، در دو مورد زنا و لواط با توجه به ادله‌ی محکمی که وجود داشت قائل به لزوم تعدد اقرار برای اثبات آن شدیم اما در دو جرم مساحقه و قوادی دلیل قانع‌کننده‌ای برخلاف نظر مشهور به دست نیامد و نهایتاً در این دو مورد، به نظر یک بار اقرار برای اثبات آن کافی است.

فهرست منابع

- قرآن.
- ابن حنبل، احمد (بی تا)، **مسند احمد بن حنبل**، بی جا.
- احسایی، ابن ابی جمهور (بی تا)، **عوالی اللئالی**، جلد اول، بی جا.
- اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ علامه (۱۴۱۳)، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، ۹ جلد، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، ۱۴ جلد، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی) (۱۴۱۶)، **کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام**، ۱۱ جلد، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- تمیمی مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ ه ق)، **دعائم الإسلام**، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- جزیری، عبد الرحمن؛ غروی، سیدمحمد؛ و یاسر مازح (۱۴۱۹)، **الفرق علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام**، ۵ جلد، چاپ اول، بیروت: دار الثقلین.

- حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، ابوالصلاح (۱۴۰۳)، **الکافی فی الفقه**، در یک جلد، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حدّاء عمانی، حسن بن علی بن ابی‌عقیل (بی تا)، **مجموعه فتاوی ابن ابی‌عقیل**، در یک جلد، چاپ اول، قم.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، **وسائل الشیعة**، ۳۰ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، **جزوهی درس خارج مکاسب محرّمه**.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، **جزوهی درس خارج قصاص**.
- خوانساری، سیداحمد بن یوسف (۱۴۰۵)، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، ۷ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲)، **مبانی تکملة المنهاج**، ۲ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- دلمی، حمزه بن عبد‌العزیز؛ سلّار (۱۴۰۴)، **المراسم العلویة و الأحکام النبویة**، در یک جلد، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین.
- سبزواری، سیدعبدالأعلى (۱۴۱۳)، **مهذب الأحکام (للسبزواری)**، ۳۰ جلد، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه‌الله.
- طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸)، **ریاض المسائل (ط-الحدیثیة)**، ۱۶ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن، ابو جعفر (۱۴۰۷)، **تهذیب الأحکام**، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن، ابو جعفر (۱۴۰۰)، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، در یک جلد، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربیة.

- طوسی، محمد بن علی بن حمزه (ابن حمزه) (۱۴۰۸)، **الوسيله الى نيل الفضيله**، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی.
- عاملی، زین الدین بن علی؛ شهیدثانی (۱۴۱۳)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ۱۵ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- **قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.**
- کلینی، محمد بن یعقوب، ابو جعفر (۱۴۰۷)، **الکافی (ط - الإسلامیه)**، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۲۷)، **فقه الحدود و التعزیرات**، ۴ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه‌الله.
- منتظری نجف آبادی، حسینعلی (بی تا)، **کتاب الحدود (للمنتظری)**، در یک جلد، چاپ اول، قم: انتشارات دارالفکر.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲)، **مبانی تحریر الوسیله - کتاب الحدود**، در یک جلد، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- نجفی، محمدحسن؛ صاحب الجواهر (۱۴۰۷)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۴۳ جلد، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نرم‌افزار گنجینه **استفتانات قضایی**.
- نرم‌افزار **جامع فقه اهل بیت**.